



جایگاه امنیت غذایی در امنیت ملی و استانی با تأکید بر توسعه کشاورزی و روستایی

مصطفی بنی اسدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۰۳

چکیده

خطراتی که امنیت و رفاه آینده جوامع بشری را تهدید می کند تنها خطراتی همچون تجاوز بوسیله یک قدرت خارجی نیست، بلکه بی ثباتی های اقتصادی، اکولوژیک و اجتماعی به خصوص پدیده ناامنی غذایی می تواند تأثیر مخربی بر امنیت ملی یک کشور بگذارد. ناامنی غذایی از جمله عواملی است که می تواند ارزش های حیاتی و در نتیجه امنیت ملی یک کشور را به مخاطره بیندازد. امنیت غذایی با رشد سریع جمعیت جوامع موجودیت خود را از دست داده است و در بخش هایی از کره زمین اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ویژه ای پدید آورده است که نه تنها سرنوشت سیاسی کشورهای نیازمند بوسیله کشورهای صنعتی رقم می خورد، بلکه زندگی روزمره آنها به تصمیمات کشورهای سلطه گریز یافته است و رهایی از این وابستگی و رسیدن به استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی جز با توسعه پایدار میسر نیست و محور توسعه پایدار، توسعه کشاورزی است. با عنایت به این موضوع، در مطالعه حاضر نقش و جایگاه امنیت غذایی در امنیت ملی و نیز وضعیت امنیت غذایی و همچنین چالش ها و فرصت های آن بررسی و تحلیل شده است. با توجه به نتایج، توسعه کشاورزی و روستایی باید از اهداف مهم سیاست گذاران در جهت تأمین امنیت غذایی و به تبع آن حفظ امنیت ملی باشد.

واژه های کلیدی: امنیت غذایی، توسعه کشاورزی، امنیت ملی



۱- دانشجوی دکترای اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)



مقدمه

نظم اجتماعی و سیاسی، امنیت و توسعه از مهم‌ترین اهداف حکومت‌ها می‌باشند. اما مهم‌ترین این اهداف، امنیت می‌باشد، زیرا که در صورت وجود ناامنی - اعم از ناامنی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی - دستیابی به اهداف فوق غیر ممکن خواهد بود. شاید بتوان گفت که امنیت نخستین انتظار مردم از حکومت‌ها است. در واقع امنیت ضروری‌ترین نیاز یک جامعه است و بدون آن هیچ‌گونه پیشرفتی در هیچ یک از زمینه‌های انسانی محقق نخواهد شد. امنیت خصوصاً در حوزه پیشرفت اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. چه آنان که طرفدار اقتصاد عدالت‌محورند، شرط ضروری عدالت را امنیت می‌دانند و چه آنان که به رفاه می‌اندیشند، آن را عامل اصلی آسایش می‌دانند. صاحب نظران علوم انسانی و اقتصادی معتقدند که توسعه سیاسی و اقتصادی با تکیه بر امنیت محقق خواهند شد، و امنیت «عامل» و «حاصل» آن است. حتی پیشرفت در جنبه‌های اخلاقی و معنوی هم نیازمند وجود امنیت است. در فرهنگ دینی و قرآنی هم امنیت جایگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که از آن به عنوان نعمتی الهی یاد می‌شود.

امروزه امنیت مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد، امنیت فردی (مثل امنیت جانی و مالی)، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، اقتصادی و امنیت ملی. همچنین امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت، جمعیت، کشاورزی، توزیع درآمد و فقر، روابط سیاسی و ساختار نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرد. مجموعه مفاهیم امنیت، در سطح کلان، امنیت ملی را شکل می‌دهند. دولت‌ها همواره در تلاش برای بالا بردن سطح امنیت ملی خود بوده و همواره برای حفظ منافع و ارزش‌های حیاتی خود مانند تمامیت ارضی و حفظ جان و مال و ناموس ملت خود در تکاپو بوده‌اند. در طول تاریخ جنگ‌های فراوانی رخ داده است و افراد و کشورهای صاحب قدرت برای کسب منافع بیشتر، دست به قتل، تجاوز، کشور گشایی و ایجاد ناامنی زده‌اند. امروزه علی‌رغم وجود خوی استکباری و روحیه تجاوزگری تاریخی، اما با رشد افکار عمومی، پیدایش سازمان‌های بین‌المللی و پیدایش قدرت‌های جدید و توازن قوا در سطح بین‌الملل، نوع تهدیدات تغییر کرده و شیوه‌های جدیدی برای تهدید و تجاوز به یک کشور به وجود آمده است.

خطراتی که امنیت و رفاه آینده جوامع بشری را تهدید می‌کند علاوه بر خطرات سنتی چون برخوردهای بین‌المللی و تجاوز نظامی بوسیله یک قدرت خارجی، خطرات ناشی از بی‌ثباتی‌های اقتصادی، فقر، گرسنگی و بویژه عدم وجود امنیت غذایی می‌باشد؛ که این خطرات نیز با محوریت کشورهای سلطه‌گر بر سایر کشورها تحمیل می‌شود و یا





حداقل اینکه مانع رشد و پیشرفت کشورها (در جهت عقب ماندگی و نیازمندی به آنها) می‌شوند. بدون شک امنیت غذایی و درجه اطمینان دسترسی به غذا به حیات اقتصادی و سیاسی و بالاخره به حیات امنیتی کشور مرتبط است و در واقع حیات امنیتی و مدار حیات امنیت غذایی است. تاریخ اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد که یک کشور آسیب پذیر از نظر امنیت غذایی دست آویز سیاسی و اقتصادی کشورهای بیگانه شده است. در خصوص کشور ایران نیز شواهدی تاریخی وجود دارند که دولت انگلیس برای نسل کشی و تضعیف نیروی انسانی کشور، در دوره قاجار و در زمان بروز قحطی، مانع از رسیدن مواد غذایی به دست مردم شده که در اثر آن، عده‌ی زیادی از هموطنان در آن برهه جان خود را از دست داده‌اند (مجد، ۱۳۸۷: ۳۰). امروزه نیز ایران پس از انقلاب اسلامی، دشمنانی به رهبری ایالات متحده آمریکا دارد که درصددند به هر طریق ممکن به کشور ایران لطمه بزنند، ساختار سیاسی آن را متزلزل کنند و نهایتاً نظام حاکم بر کشور را ساقط کنند. این دشمنان از آنجا که گزینه نظامی را برای رسیدن به اهداف خود بی‌فایده یافته‌اند، رو به شیوه‌های غیرانسانی همچون تحریم آورده‌اند. هدف آن‌ها ایجاد فشار اقتصادی، فقر و ناامنی غذایی برای مردم است تا از طریق ایجاد نارضایتی عمومی بتوانند پایه‌های نظام سیاسی کشور را متزلزل کنند. البته مسئله فقر اقتصادی و ناامنی غذایی صرفاً یک پدیده تحمیلی خارجی نیست، بلکه بیماری مزمن داخلی است که باید با مدیریت صحیح به درمان آن پرداخت. توجه به این واقعیت دارای اهمیت است که سوء تغذیه از یک کمبود کالری غذایی صرف، مهم‌تر و بالاتر است. گرسنگی یک پدیده پیچیده‌ای است که مسائل اجتماعی، سیاسی و امنیتی با خود به همراه دارد. خصوصاً از بعد اجتماعی و سیاسی می‌تواند منجر به دزدی، ناامنی و شورش‌های اجتماعی شود. همچنین نارضایتی عمومی از سیستم حکومتی افزایش پیدا کرده و به این ترتیب ساختار حکومت ضعیف می‌شود و در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی وضعیت شکننده‌ای پیدا خواهد کرد. بنابراین امنیت غذایی با امنیت ملی گره خورده است. فرضیه مورد بررسی در مقاله حاضر این است که ناامنی غذایی در یک نظام سیاسی، امنیت ملی را دچار مخاطره خواهد کرد، از این‌رو در این مطالعه سعی می‌شود ابتدا مفهوم امنیت ملی و امنیت غذایی مورد بررسی قرار گیرد و سپس با ارائه شواهد موجود رابطه بین امنیت غذایی و امنیت ملی، وضعیت امنیتی غذایی در ایران و استان کرمان و نیز تهدیدها و فرصت‌های امنیت غذایی در استان کرمان تبیین و تحلیل شوند.





بحث

در بررسی رابطه بین امنیت غذایی و امنیت ملی، باید به پیامدهای ویرانگری که اختلال در عرضه مواد غذایی می‌تواند ایجاد کند اشاره کرد، از درگیری‌های انسانی و ناآرامی‌های مدنی تا اختلال در تجارت، مهاجرت دسته جمعی و تهدید به آگرو تروریسم (تروریسم کشاورزی). قبل از ورود به بحث در خصوص رابطه امنیت غذایی با امنیت ملی، ابتدا باید مفهوم این دو واژه تبیین شود.

امنیت ملی^۱

امنیت ملی مفهومی غربی و عمدتاً آمریکایی است که بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد. امنیت ملی مفهومی پیچیده و نسبتاً مبهم است و اجماع نسبی بر سر تعریف پذیرفته شده‌ای از آن وجود ندارد و صاحب‌نظران بدست دادن تعریف مشخصی از آن را نادرست می‌دانند. رابرت ماندل علت این امر را در دیدگاه‌های بسیار متفاوتی می‌داند که ملت‌ها نسبت به امنیت دارند و معتقد است آن‌ها موضوعات را فقط به خاطر افزایش اهمیت‌شان در دستور کار سیاسی، جزء مسایل امنیتی به حساب می‌آورند. با وجود این، وی جهت کاهش دایره ابهام مربوط به امنیت ملی در افکار سیاست‌گذاران و مردم و ارایه بحث معناداری در این خصوص امنیت ملی را به صورت تعقیب روانی و مادی ایمنی تعریف می‌کند و آن را اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌ها می‌داند تا از تهدیدهای خارجی نسبت به بقای رژیم‌شان، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان ممانعت به عمل آورند.

بر این اساس تعریف‌های زیادی از امنیت ملی ارایه شده است که همپوشانی‌هایی نیز بین آن‌ها وجود دارد. برای مثال ولفرز امنیت ملی را به طور عینی به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های مکتسبه و به طور ذهنی به مفهوم فقدان ترس از حمله به این گونه ارزش‌ها می‌داند.

در تلقی مدرن امنیت ملی بجای توجه به تهدیدات خارجی، آسیب‌پذیری‌های داخلی بیش‌تر مورد توجه است و تهدید خارجی دارای اعتبار نازلی می‌باشد. همچنین بجای مسایل نظامی و مقدمات آن به شرایط و عوامل اقتصادی پرداخته می‌شود در حالی که در نگرش و گفتمان سنتی تهدید اولاً منشاء خارجی دارد و ثانیاً صبغه نظامی آن غالب

۱- این قسمت برگرفته از مقاله رحمان رنجبر (مدیر کل دفتر تعاونی‌های تولیدی) با موضوع «بررسی نحوه تعامل امنیت غذایی با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» است.



می‌باشد. در پرتو تحولات نوپیدا، دیگر منشاء عمده تهدید نه خارجی که داخلی است و ماهیت تهدید نیز نه نظامی بلکه اقتصادی است و مولفه‌هایی از قبیل نرخ بیکاری، تورم، میزان GDP، درآمد سرانه، ذخیره ارزی و میزان جمعیت فعال جایگزین تهدید نظامی شده‌اند. این عوامل در کنار مواردی چون توانایی دولت در عرضه سطح معقولی از رفاه اجتماعی و امنیت غذایی مقبولیت و مشروعیت دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

امنیت غذایی و مسائل مربوط به آن

امنیت غذایی، یک مفهوم پیچیده است که به دسترسی کافی مردم، هم به لحاظ کیفیت و هم به لحاظ کمیت بستگی دارد. به تعریف دقیق‌تر، زمانی امنیت غذایی وجود دارد که همه مردم، در همه زمان‌ها، دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، سالم و مغذی را برای تأمین نیازهای غذایی و ترجیحات غذایی به‌منظور یک زندگی فعال و سالم، داشته باشند (کمیته جهانی امنیت غذایی، ۲۰۱۲).

حل مشکل امنیت غذایی، اولویت استراتژیک سیاست‌های اقتصادی هر کشور است. برقراری امنیت غذایی بر ثبات اجتماعی، سیاسی و قومی جامعه تأثیر می‌گذارد. امنیت غذایی، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی به‌طور قابل توجهی به منابع عمومی بستگی دارد. شکل‌گیری منابع عمومی برای تولید تمام انواع مواد غذایی، اعم از غلات و سایر محصولات کشاورزی استراتژیک به مقدار کافی - بسته به نیازهای مردم - برای تأمین امنیت غذایی مهم است. ناامنی غذایی تنها مشکل ایران نیست، بلکه بسیاری از کشورهای جهان حتی کشورهای پیشرفته با آن مواجه هستند (Aigarinova and Shulanbekova, ۲۰۱۳).

بحران مالی جهانی که بخش کشاورزی و اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده است، یک تهدید واقعی برای امنیت غذایی در جهان ایجاد کرده است و این موضوع به نوبه خود نیاز به اصلاح مکانیسم‌های موجود و توسعه امکانات جدید برای اطمینان از امنیت غذایی در سطح ملی و بین‌المللی دارد. امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جهان مدرن، مبتنی بر سه جنبه از امنیت - غذا، انرژی و امور مالی - است. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد، بیش از ۹۲۵ میلیون نفر در سراسر جهان از گرسنگی رنج می‌برند. این رقم نشان دهنده ۱۲/۵ درصد از جمعیت جهان است (از هر ۸ نفر، یک فرد گرسنه در جهان وجود دارد). از این تعداد، اکثریت قریب به اتفاق - ۸۵۲ میلیون نفر - در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، که در این کشورها ۱۴/۹ درصد





از جمعیت گرسنه می‌باشند. تعداد افراد گرسنه در جهان بطور غیر قابل قبولی بالا باقی خواهد ماند. با توجه به نرخ رشد جمعیت، تولید جهانی مواد غذایی باید ۷۰ درصد تا سال ۲۰۵۰ افزایش یابد، در حالی که جمعیت جهان در این زمان به ۹ میلیارد نفر خواهد رسید (وضعیت ناامنی غذایی در جهان، ۲۰۱۲).

رابطه امنیت غذایی و امنیت ملی

امنیت غذایی و بطور کلی عوامل تشکیل دهنده آن در کشور، بخشی جدایی ناپذیر از امنیت اقتصادی در امنیت ملی کشور است، و به خودی خود توصیف ثبات اقتصادی و استقلال سیستم موجود و همچنین توانایی این سیستم در ارائه نیازهای اولیه اساسی شهروندان خود بدون به خطر انداختن منافع ملی و دولت، است. در این مورد، امنیت غذایی تنها به امنیت اقتصادی محدود نمی‌شود، به این دلیل که امنیت غذایی ارتباط نزدیکی با جنبه‌های دیگری از امنیت ملی دارد.

امنیت غذایی یک سیاست امنیت ملی می‌باشد که کم و کیف آن، مقدار عرضه و کیفیت کالای عمومی امنیت ملی را در هر کشور تعیین می‌کند. عرضه یک سطح بهینه امنیت ملی مستلزم تدارک سطح بهینه امنیت غذایی است. تاریخ روابط بین کشورها نشان می‌دهد که کشورهای قدرتمند در بیش‌تر موارد از مواد غذایی به عنوان حربه‌ای سیاسی علیه کشورهای جهان سوم بهره گرفته‌اند. تجربه کشورهای کم‌تر توسعه یافته حاکی از این است که وابستگی آن‌ها به واردات مواد غذایی از کشورهای توسعه یافته باعث ضربه‌پذیری سیاسی‌شان شده و امنیت ملی‌شان همواره از این محل در معرض تهدید بوده است. این موضوع در شرایط تحریمی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. ناامنی غذایی عزت نفس یک ملت، به عنوان ستون اصلی توسعه و استقلال ملی، را تخریب و با ایجاد اختلال در انباشت سرمایه اجتماعی، کنش‌های جمعی را بسیار پرهزینه می‌کند و در نتیجه امکان وفاق و وحدت ملی را کاهش می‌دهد. بدلیل وجود این رابطه مهم و تنگاتنگ، ارتقاء سطح امنیت غذایی و امنیت ملی در قانون اساسی، قوانین و سیاست‌های کلی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، مورد توجه خاص و ویژه قرار گرفته است.

اگرچه امنیت غذایی از زیرساخت‌های مختلف عرضه، توزیع مناسب و تغذیه و بهداشت برخوردار است، اما متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، نرخ اشتغال، درجه





فقر، چگونگی توزیع درآمد بین اقشار جامعه، شاخص‌های توسعه روستایی و سطح درآمد جامعه و اتکای عرضه به منابع داخلی هر کشور یا واردات، بر آن اثر دارد. امنیت غذایی با ابعاد اقتصادی و منابع انسانی امنیت ملی رابطه مستقیم و با ابعاد سیاسی - اجتماعی، دفاعی - نظامی و فرهنگی - علمی و فناوری آن رابطه غیرمستقیم دارد. عرضه باثبات مواد غذایی نقش اساسی در امنیت غذایی جامعه دارد و نهایتاً می‌تواند پایداری و استمرار امنیت غذایی را تضمین نماید.

امنیت غذایی و ثبات سیاسی

امنیت غذایی و ثبات سیاسی در بسیاری از کشورها به صورت غیرقابل تفکیک به یکدیگر مرتبط می‌باشند. از لحاظ تاریخی، یکی از علل سوء تغذیه و قحطی‌های قابل توجه بدلیل اختلال در تأمین مواد غذایی از طریق جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی بوده است (Blanford and Viatte, 1۹۹۷). مفاهیم امنیت غذایی و ثبات سیاسی وابستگی متقابل دارند و می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. امنیت غذایی، می‌تواند ثبات سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. به طور همزمان، بی‌ثباتی سیاسی (مانند جنگ یا سایر اشکال شورش‌های داخلی) می‌تواند بر امنیت غذایی تأثیر گذارد. بزرگ‌ترین خطر برای ثبات حکومت‌ها، خطر آشوب‌های داخلی و شورش‌های اجتماعی است که گاهی اوقات به دلیل کمبود مواد غذایی یا افزایش ناگهانی قیمت در محصولات غذایی ایجاد می‌شود. یک نمونه از چنین شورش‌های اجتماعی در اثر گرانی و کمبود مواد غذایی، در هند رخ داد که در آن افزایش قیمت مواد غذایی منجر به شورش‌های داخلی بر علیه حزب سیاسی حاکم (حزب جاناتا) شد. به طور مشابه، زمانی که قیمت برنج در اندونزی افزایش یافت، و قیمت آن برای بخش قابل توجهی از مردم قابل پرداخت نبود، شورش‌های غذایی در جاوای شرقی شکل گرفت^۱ و دولت نیروهای نظامی را در اطراف بازار برای جلوگیری از غارت و چپاول افزایش داد. دولت چین نیز تا حدی از این موضوع نگران است که عدم امنیت غذایی به طور بالقوه می‌تواند باعث خشم گسترده علیه حزب کمونیست شده و شاید به نا آرامی‌های مدنی منجر شود. بنابراین، حساسیتی که بسیاری از دولت‌ها، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه در مورد امنیت غذایی دارند شاید به دلیل ترس

1- Food security and political stability in the Asia-pacific region Asia-pacific center for security studies, September 11, 1998 Honolulu, Hawaii: http://www.apcss.org/Publications/Report_Food_Security_98.html



از بی‌ثباتی اجتماعی و حتی شاید انقلاب سیاسی باشد. بنابراین امنیت غذایی یک پیامد برای بقای نظام سیاسی می‌باشد. یکی دیگر از نگرانی‌های امنیتی برجسته در بسیاری از کشورها، چشم انداز افزایش مهاجرت‌های اقتصادی است که در نتیجه کمبود مواد غذایی بوجود می‌آید. مهاجرت داخلی اولین نگرانی برای بسیاری از دولت‌ها است، به خصوص که مهاجرت داخلی، به‌طور طبیعی اغلب «واکنش تقابلی» در زمان قحطی است. به عنوان مثال، بحران مواد غذایی اندونزی که در سال ۱۹۹۷ رخ داد، منجر به خروج هزاران نفر از مهاجران اندونزیایی به مالزی شد. وقتی بحران مواد غذایی در اندونزی در اوایل سال ۱۹۹۸ تشدید شد، بسیاری از کشورهای همسایه می‌ترسیدند که جمعیت زیادی از اندونزیایی‌های گرسنه، در جستجوی زندگی بهتر، دست به مهاجرت بزنند (Barry Wain, et.al, ۱۹۹۸). بسیاری از کشورها در شرق آسیا در مورد مهاجرت، خصوصاً مهاجرت گروهی یا مهاجرت غیر قانونی بسیار حساس و نگران هستند. بنابراین در صورتی که ناامنی غذایی منجر به مهاجرت بیشتر شود، ممکن است توسط دولت‌ها به عنوان یک نگرانی امنیتی مشاهده شود.

امنیت غذایی به‌عنوان ابزار فشاری در دست ابرقدرت‌ها

اگر سیستم نظام بین‌الملل عادلانه و براساس احترام متقابل باشد، کشورها می‌توانند از طریق تکیه به بازارهای بین‌المللی، دسترسی به امنیت غذایی پایدار را امکان پذیر کنند - اما بسیاری از کشورها به بازارهای بین‌المللی اعتماد نمی‌کنند. یکی از دلایل این بی‌اعتمادی تمایل ایالات متحده و برخی کشورهای دیگر به اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه یک کشور، به دلایل مختلف سیاسی است. هنگامی که کشورها مشاهده می‌کنند که امنیت غذایی‌شان ممکن است با تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی (و یا تحریم‌های ناشی از جنگ) به خطر افتد، احساس آسیب‌پذیری کرده و از این رو، آن‌ها در سیاست «خود کفایی» حتی در صورت عدم مزیت نسبی اصرار دارند. هدف کشورهای سلطه‌گر از اعمال تحریم، وادار به تسلیم شدن کشورهای مستقل در مقابل هژمونی این کشورهاست. برخلاف شعارهای بشردوستانه‌ای نظیر احترام به حقوق بشر و آزادی که کشورهای غربی سر می‌دهند، برای رسیدن به اهداف خود مرتکب اعمال غیرانسانی می‌شوند. تحریم‌های دارویی و مواد غذایی، ضربه اساسی به امنیت غذایی کشورها وارد می‌کنند. هدف از این نوع تحریم‌ها، اعمال فشار اقتصادی بر مردم کشورهای تحریم شده است، تا از این طریق با ایجاد فشار داخلی، شورش و یا حتی تحریک به انقلاب، دولت‌ها را تحت





فشار قرار داده و آن‌ها را مجبور به تسلیم کنند. گاهی این تحریم‌ها می‌تواند مقدمه یک جنگ تمام‌کننده باشد. یعنی ابتدا با تحریم نارضایتی داخلی ایجاد کرده، روحیه ارتش و نیروهای مسلح را تضعیف و پایه‌های حکومت را متزلزل و نهایتاً با حمله نظامی کار یک نظام سیاسی را یکسره کنند. نمونه این تحریم‌ها برای رام کردن کره شمالی توسط ایالات متحده اعمال شده است. رهبران کره شمالی حضور نظامی آمریکا در منطقه و تحریم‌های اقتصادی را تهدید علیه امنیت ملی این کشور تفسیر می‌کنند و دستیابی به سلاح اتمی را در راستای بازدارندگی در مقابل تهدیدات آمریکا موجه می‌دانند. نه تنها تحریم غذایی بلکه به‌طور کلی تحریم اقتصادی، می‌تواند منجر به ناامنی غذایی شود. تحریم‌های اقتصادی منجر به گران شدن برخی کالاها و مواد اولیه می‌شود که منجر به یک تورم در سطح جامعه می‌شود. قیمت مواد غذایی از این امر مستثنی نیست. افزایش قیمت مواد غذایی منجر می‌شود عده‌ای از خانوارها نتوانند به مواد غذایی مورد نیاز دسترسی پیدا کنند و ناامنی غذایی نمایان می‌شود. هدف از این ناامنی، ثبات سیاسی و اقتصادی و بطور کلی امنیت ملی یک کشور است و به نوعی می‌توان گفت یک جنگ نامرئی علیه کشور تحریم شده در جریان است. در خصوص کشور ایران نیز، هدف فشار از اقتصادی، فشار بر مردم بود تا بتوانند از طریق نارضایتی عمومی، شورش‌های اجتماعی و سیاسی ایجاد کنند و حکومت ایران را تحت فشار قرار دهند. این سیاست شاید برای بسیاری از کشورها جواب دهد، اما در خصوص ایران، که مردمی متفاوت از مردم سایر کشورها دارد، چندان برای نظام سلطه موفقیت‌آمیز نبوده است. عموم مردم ایران با فرهنگی برخاسته از مقاومت اسلامی و شیعی، هرگز در میدان دشمن بازی نکردند، حتی با وجود اینکه فشارهای اقتصادی را کاملاً حس می‌کردند.

امنیت غذایی، نیروهای مسلح و جنگ با دشمن خارجی

جنگ‌های بزرگ همواره تأثیر قابل توجهی بر روی بخش کشاورزی داشته‌اند. تولید مواد غذایی در بخش کشاورزی نیز، در جنگ‌ها تأثیر گذار بوده است. با وجود اینکه یک کشور در زمان صلح ممکن است در یک دوره مازاد قابل توجهی در تولید داشته باشد، اما از آغاز جنگ مشکلات تولید مواد غذایی بروز خواهد کرد. دلایل متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد در طول دوره جنگ، به‌طور ناگهانی انواع کمبودها (از جمله کمبود مواد غذایی) افزایش می‌یابد. خصوصاً اگر در زمان جنگ، تحریم اقتصادی هم صورت بگیرد. جهت اطمینان از این موضوع که نیروهای نظامی دارای ذخایر کافی مواد غذایی هستند،





باید مواد غذایی بیشتری ذخیره نمود. مواد غذایی با موضوع حمل و نقل و ذخیره‌سازی گره خورده است. فرآوری بیشتر مواد غذایی به منظور تهیه جیره غذایی متعادل و کافی که در شرایط جنگی دچار کمبود و کاهش نشود، مورد نیاز است. برخی از افراد که قبل از جنگ در بخش کشاورزی و صنعت مشغول بوده‌اند، در زمان جنگ به میدان مبارزه می‌آیند. این موضوع باعث کاهش یک منبع تولیدی (یعنی نیروی کار) در جریان تولید می‌شود و بر سایر عوامل تولیدی فشار وارد می‌کند؛ از این رو در زمان جنگ، حفظ و افزایش ذخایر مواد غذایی ضروری و یک استراتژی بسیار مهم است و می‌تواند بر روند جنگ تأثیرگذار باشد. از طرفی کمبود مواد غذایی، کشور را علاوه بر درگیری با کشور متخاصم، درگیر مسائل داخلی می‌کند که منجر به تضعیف روحیه نیروهای مسلح می‌شود و احتمال شکست نظامی و شورش داخلی را بالا می‌برد. به عنوان مثال، سیاست ایالات متحده در جنگ، حفظ و بالا بردن و ذخیره تولیدات غذایی است. این جمله: «مواد غذایی منجر به پیروزی در جنگ خواهد شد!» شعار ایالات متحده در طول جنگ جهانی اول به منظور تشویق کشاورزان، دامداران و زنان خانه‌دار به تولید مواد غذایی بیشتر و حفظ کالاهای ضروری، بوده است. همین شعار به منظور پایداری ماشین جنگی آمریکا در طول جنگ جهانی دوم تکرار شد (سیستم حمایتی کشاورزی و صنعتی برای تولید بیشتر و بیشتر). بعدها نیز، در جنگ‌های کره و ویتنام، اساس سیاست‌گذاری بر «حفظ پتانسیل تولید مواد غذایی» استوار بوده است. بنابراین در زمان بروز جنگ، خصوصاً اگر جنگ با کشورهای صاحب نفوذ نظیر آمریکا باشد، باید توان داخلی تولیدات غذایی را بالا برده و تنها به آن اطمینان شود. به این دلیل که همانطور که گفته شد، اولاً احتمال تحریم‌های غذایی و دارویی وجود دارد. ثانیاً در صورت عدم اجماع جهانی بر تحریم غذایی، ممکن است کشور متخاصم مانع ورود مواد غذایی به کشور شود. به عنوان مثال در موضوع بحران موشکی کوبا، یکی از نخستین دستورات جان اف کندی رئیس جمهور وقت ایالات متحده، جلوگیری از ورود غلات به کوبا بوده است. یا در زمان جنگ جهانی دوم، نیروی دریایی آمریکا مانع ورود مواد غذایی به ژاپن می‌شد و این کشور با بحران شدید مواد غذایی مواجه گردید (www.airgroup.com).

بنابراین یکی از روشن‌ترین روابط بین امنیت غذایی و امنیت ملی سنتی وقتی رخ می‌دهد که نیروهای مسلح کشور از امنیت غذایی تأثیر بپذیرند. یک کشور برای داشتن یک نیروی نظامی پایدار، باید قادر به تأمین تدارکات کافی، نیرو و مواد غذایی کافی باشند. البته روابطی دو طرفه وجود دارد. یعنی نیروهای نظامی هم می‌توانند در زمان





بروز ناامنی غذایی، برای حل مشکل وارد میدان شوند. مثلاً در شرایط اضطراری کمبود مواد غذایی، دولت‌ها از نیروهای نظامی خود برای توزیع مواد غذایی در کشور یا مناطقی از کشور استفاده می‌کنند. نیروهای نظامی اغلب دارای قابلیت‌های تدارکاتی بی‌نظیری هستند که قابل مقایسه با امکانات سایر سازمان‌ها نیست. در زمستان سال ۱۳۹۲، در مناطق شمال کشور برف و کولاک شدیدی رخ داد، بطوریکه راه‌های زمینی قطع گردید و امکان انتقال مواد غذایی و دارویی از راه معمول ممکن نبود. در این شرایط نیروهای مسلح وارد شده و با استفاده از بالگردها و نفربرها به امداد رسانی مشغول شده و مواد غذایی لازم را به دست مردم بحران دیده، رساندند. در چین، هنگام بروز قحطی، ارتش آزادی بخش خلق در سراسر کشور اقدام به توزیع مواد غذایی در کشور نمود. بنابراین نیروهای نظامی در صورت بروز بحران غذایی می‌توانند در ارائه کمک‌های غذایی به صورت فوری وارد عمل شوند، که این خود در بسیاری از موارد به دفع کردن ناآرامی‌های مدنی در زمان بحران غذایی و یا حتی سقوط دولت‌ها کمک خواهد کرد.

اگروریسم و امنیت غذایی

بیوتروریسم کشاورزی یعنی انتشار تعمندی بین‌المللی و جهانی پاتوژن‌ها در منابع و ذخایر غذایی به منظور ایجاد تلفات و صدمات انسانی و اختلال در امور اقتصادی است. هدف از انتشار پاتوژن‌های آلوده کشتن افراد نظامی و غیر نظامی جهت تضعیف قوای نظامی و امنیتی یک کشور می‌باشد. حملات بیوتروریسمی در کشاورزی سبب کمبود مواد غذایی و ناامنی غذایی می‌شود. اولین ضربه، ضربه اقتصادی است و کاهش درآمد و سطح فروش محصولات بخش کشاورزی را در بر دارد. در کنار این خسارات مستقیم، بیشترین هزینه‌ها صرف اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته جهت جلوگیری از انتشار در داخل کشور می‌شود. حمل و نقل تولیدات کشاورزی بطور شدیدی ممنوع می‌شود. و کار و فعالیت صنایع وابسته به محصولات و تولیدات کشاورزی متوقف می‌شود. تشخیص و تمایز بین این نوع حملات (تعمدی) و دیگر انواع تهاجمات (غیرتعمدی) بسیار مشکل و در مواردی حتی نامشخص و غیرقابل تفکیک است. تهاجمات و حملات بر روی دامها و چهارپایان می‌تواند به طور بالقوه سبب تلفات انسانی، به واسطه تغذیه از محصولات آلوده شده (تهدیدات زیستی) و یا به واسطه تماس با حیوانات ناقل (واگیر) شود. لازم به ذکر است که حملات بیولوژیکی هدفمند در حوزه کشاورزی بطور مشخصی با حملات و تهاجمات مستقیم بیولوژیکی بر روی غیر نظامی‌ها متفاوت است. در این





نوع از حملات دشمن، باید اقدامات پیشگیرانه از طریق تحقیق و توسعه و پیشرفت علم و تکنولوژی در بخش کشاورزی انجام شود. همچنین ورود و خروج محصولات و نهاده‌های کشاورزی باید کنترل شود تا از ورود بیماری‌های کشنده جلوگیری نمود. برای ورود و خروج نهاده و محصولات کشاورزی باید قوانین خاصی در حوزه کیفیت و سلامت این محصولات وضع شود. این قوانین در بسیاری از کشورها اعمال می‌شود و تا کنون تأثیر زیادی بر روی دیدگاه‌ها و نگرش‌های تولیدکنندگان و صنایع فرآوری‌کننده مواد غذایی و سطح آگاهی مصرف‌کنندگان نهایی داشته است. نفوذ آن به همه قاره‌ها گسترش یافته و به حفاظت از بهداشت عمومی کمک کرده است، اما اطمینان از بی‌عیبی مواد غذایی حقیقتاً قابل اندازه‌گیری نیست. کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط نشان دادند که این استانداردها برای سلامت مصرف‌کنندگان بسیار مهم است، بطوریکه آن‌ها ایمنی مواد غذایی اعم از واردات و یا تولید داخلی را تضمین، و تجارت را در بازارهای داخلی و بین‌المللی تسهیل می‌کنند و تا حدودی مانع آگروتوریسم می‌شوند.

امنیت غذایی و توسعه بخش کشاورزی و روستایی

خدمات بخش کشاورزی در حوزه امنیت غذایی در جهت منافع ملی عبارتند از: تأمین مقدار مورد نیاز مواد غذایی کشور و حفظ سطح اصولی از ذخیره غذایی کشور، حصول اطمینان از کیفیت مواد غذایی تولید شده و به فروش رسیده و ایمنی مواد غذایی، اطمینان سازی نسبت به وجود مواد غذایی ضروری، ایجاد یک استاندارد مناسب و معقول با کیفیت بالا برای زندگی سالم، توسعه محصولات غذایی رقابتی با تمرکز بر صادرات، کنترل دولت بر بازار مواد غذایی، از جمله حسابداری و کنترل تولید، عرضه داخلی و خارجی، و ذخیره مواد غذایی (Aigarinova and Shulanbekova, ۲۰۱۳).

امنیت غذایی یک کشور بشدت وابسته به توسعه روستایی و کشاورزی در یک کشور است. عدم توسعه روستایی و نبود درآمد کافی، امکانات و رفاه در روستاها منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود. این پدیده نه تنها از طریق مهاجرت تولیدکنندگان اصلی مواد غذایی یعنی کشاورزان روستایی به شهرها، تولید مواد غذایی و امنیت غذایی را به مخاطره می‌اندازد، بلکه با توجه به تنگناهای شهرها برای پذیرش این مهاجران، مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی خاص خود را در پی خواهد داشت که بروز جرم و جنایت از قبیل اعتیاد، دزدی و فحشا تنها گوشه‌ای





از این مشکلات است که در نهایت امنیت استانی و ملی دچار اختلال می‌شود. بنابراین توسعه روستایی در کشور باید در اولویت سیاست‌گذاری باشد. بعلاوه بخش کشاورزی کشور نیز باید با افزایش تولید، جوابگوی افزایش تقاضای روزافزون مواد غذایی باشد. افزایش تولید، نیاز به تحقیقات عمیق در زمینه کشاورزی دارد. تلاش‌های هماهنگ در بیوتکنولوژی در جهت اصلاح و رشد، استراتژی‌های نوآورانه در فرآوری و تولید کشاورزی، ارتقاء فنآوری‌های جدید در صنایع غذایی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تحقیق و توسعه (R&D) در این بخش می‌تواند امنیت غذایی استان کرمان و بطور کلی ایران را ضمانت کند.

واردات کم هزینه و با کیفیت بالای مواد غذایی از خارج به بازار داخلی، تولیدکننده محصولات کشاورزی داخل را تضعیف می‌کند، این منجر می‌شود تولید به صرفه نباشد و تولید کننده، تولید را رها کند و پس از آن با کاهش تولید داخل، قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد، این پدیده تورم مواد غذایی را در پی داشته و بر درآمد ساکنان شهری و روستایی تأثیر می‌گذارد و نهایتاً منجر به بدتر شدن دسترسی اقتصادی به مواد غذایی شده و امنیت غذایی را به مخاطره می‌اندازد. با توجه به وجود چنین تهدیدی، قانون‌گذار باید موانع سختی برای جلوگیری از ورود مواد غذایی خصوصاً مواد غذایی با کیفیت پایین و نامطلوب، در هر دو شکل مواد خام برای تولید، و محصولات آماده خوردن، به بازار داخلی ایجاد کند. این مشکل بسیار مهم است. مجموعه قوانین گمرکی محصولات کشاورزی، باید تبدیل به یک نقطه مرجع سراسری برای مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و صنایع فرآوری‌کننده مواد غذایی، مقامات ملی و محلی برای واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی باشد. در این راستا سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی می‌تواند، راهکاری مناسب در جهت جلوگیری از واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی و حمایت از تولید داخلی باشد.

سیاست خودکفایی و امنیت غذایی

برای بسیاری از کشورها، امنیت غذایی یک مسئله امنیت ملی است، بطوری‌که اعمال سیاست‌های حمایت از تولیدات کشاورزی و یا دیگر سیاست‌هایی که در ارتباط با تأمین مواد غذایی اعمال می‌شود، این موضوع را منعکس می‌کنند. در برخی از کشورهای آسیایی نظیر چین، آمارهای مربوط به مواد غذایی از حساسیت بالایی برخوردار هستند





بطوریکه آن‌ها اطلاعات محرمانه دولتی در نظر گرفته می‌شوند (Frederick, ۱۹۹۶). به دلیل اهمیتی که امنیت غذایی دارد، برای خروج از نگرانی در مورد آسیب پذیری‌های امنیت غذایی، بسیاری از کشورهای آسیایی تلاش کرده‌اند سیاست «خودکفایی» را به عنوان یک ایده‌آل دنبال کنند، حتی در شرایطی که این سیاست بسیار ناکارآمد باشد. به عنوان مثال، کره شمالی، بر این سیاست تأکید دارد، ژاپن امنیت غذایی را به عنوان یکی از شش سیاست اصلی طراحی شده خود برای دستیابی به امنیت ملی جامع در نظر گرفته است (Dupont, ۱۹۹۸). بسیاری از رهبران در کشورهای منطقه شرق آسیا اغلب سیاست تحریک به سمت خودکفایی را به عنوان توجیهی برای پرداخت یارانه به تولید ناکارآمد داخلی مورد استفاده قرار می‌دهند. این موضوع نشان دهنده وجود این احساس در میان بسیاری از کشورهای آسیایی است که حداقل سطح خودکفایی غذایی، یک پیش نیاز برای امنیت ملی است (Dupont, ۱۹۹۸). همچنین با توجه به این موضوع می‌توان دریافت که چرا بسیاری از کشورها در جهت ترویج خودکفایی غذایی تمایل به محدود کردن واردات مواد غذایی دارند. چون واردات مواد غذایی منجر به کاهش انگیزه کشاورز داخلی برای تولید محصول می‌شود و ضمن ایجاد وابستگی، در زمان بروز خطر جنگ و یا تهدید و تحریم، کشور دچار بحران جدی می‌شود. البته سیاستی که برخی صاحب‌نظران اقتصادی به آن معتقدند این است که اگر خودکفایی در برخی محصولات اساسی صرفه اقتصادی ندارد و به کشور هزینه‌های سنگینی وارد می‌کند، باید سطح خطر کالاهای اساسی را تعیین کرد، و به همان میزان تولید را در داخل انجام داد و بقیه محصول را وارد کرد که اصطلاحاً خوداتکایی گفته می‌شود. باید دقت شود که با توجه به شرایط ایران و وجود دشمنان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، نمی‌توان صرفاً به قواعد اقتصادی تجارت براساس مزیت نسبی بسنده کرد، بلکه با توجه به نظام ناعادلانه بین‌المللی، توجه به امنیت غذایی کشور ضرورت دارد. از طرفی خودکفایی در برخی محصولات باعث تلف شدن منابع تولیدی شده و تولید سایر اقلام غذایی کم اهمیت‌تر را دچار تهدید می‌کند. به دلیل محدودیت منابع تولیدی، در صورتی که این منابع در تولید یک کالا که دارای مزیت تولید نیست به کار رود، منابع تولیدی بکار رفته را نمی‌توان در تولید سایر کالاها بکار برد. از این‌رو محصولات دارای مزیت که درآمد و اشتغال مناسبی

1 - See the Asia Food Overview (p. 16) in Food Security Assessment (GFA-9) November 1997 (United States Department of Agriculture).



ایجاد می‌کنند از چرخه تولید حذف می‌شوند. بنابراین باید سطح خوداتکایی در کالاهای اساسی را تعیین و به همان میزان تولید کرد تا در صورت تهدید دشمن بتوان با مدیریت صحیح و یا حتی احیاناً جیره‌بندی خطر را پشت سر گذاشت، بدون اینکه منابع تولید کشور هدر رود.

چالش‌ها و فرصت‌های امنیت غذایی در کشور و استان کرمان

اگرچه امنیت غذایی از زیر سیستم‌های مختلف عرضه، توزیع مناسب و تغذیه و بهداشت برخوردار است، اما متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، نرخ اشتغال، درجه فقر، چگونگی توزیع درآمد بین اقشار جامعه، شاخص‌های توسعه روستایی و سطح درآمد جامعه و اتکای عرضه به منابع داخلی هر کشور یا واردات بر آن اثر دارد. برای بررسی امنیت غذایی در استان کرمان و کل کشور، شاخص‌های اساسی در جدول ۱ ارائه شده است. بدون تردید، ارایه تصویری واقع‌گرا و جامع از وضعیت امنیت غذایی در استان کرمان و کشور مستلزم بررسی سبد کاملی از شاخص‌های معرفی شده در جدول ۱ است، اما در این جا جهت احتراز از گستردگی کار سعی خواهد شد تا با بررسی چند شاخص کلی تصویر نسبتاً معقولی از کم و کیف امنیت غذایی در کشور به دست آید. همچنین در این قسمت برای بررسی بیشتر از آخرین ترازنامه غذایی ایران طی دوره ۸۵-۱۳۸۱ که در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است استفاده گردید.

ضریب خودکفایی محصولات غذایی

یکی از شاخص‌های مهم سنجش امنیت غذایی در حوزه موجودی غذا و در سطح کلان ضریب خودکفایی محصولات غذایی یا به عبارتی دیگر درجه تأمین نیازهای غذایی اساسی کشور از منابع تولید داخلی می‌باشد. اگرچه خودکفایی کشور در زمینه محصولات اساسی غذایی لزوماً به منزله امنیت غذایی پایدار (از منظر دسترسی به مواد غذایی) نمی‌باشد، ولی افزایش عرضه مواد غذایی و تقویت ضریب خودکفایی کشور به گسترش دسترسی به مواد غذایی، کاهش قیمت مواد غذایی و در نهایت دستیابی گروه‌های محروم و اقشار آسیب‌پذیر و کم درآمدتر روستایی به مواد غذایی بسیار موثر است. مسلماً بهبود ضریب خودکفایی محصولات کشاورزی در کل کشور، امنیت غذایی برای استان کرمان را نیز می‌تواند در پی داشته باشد. از طرف دیگر، افزایش ضریب خودکفایی کشور علاوه بر این که در افزایش وجهه بین‌المللی نظام سیاسی کشور و گسترش اقتدار



جدول ۱- برخی از شاخص‌های تبیین‌گر امنیت غذایی

موجودی غذا	دسترسی به غذا	استفاده از غذا
مقدار تولید مواد غذایی در کشور	قیمت مواد غذایی	الگوی مصرفی خانوار
مقدار واردات مواد غذایی	نرخ تورم	الگوی تغذیه در کشور
ضریب خودکفایی محصولات غذایی	نرخ بیکاری	درصد باسوادی زنان
بهره‌وری کشاورزی	نحوه توزیع درآمد	نرخ باسوادی
نرخ رشد اقتصادی و روند آن	درصد جمعیت زیر خط فقر	مدیریت اقتصاد خانواده
سطح توسعه کشور	درصد افراد ناتوان و معلول	الگوهای فرهنگی
موجودی زمین‌های قابل کشت	شاخص هزینه زندگی	بهداشت خانواده
کارایی سرمایه و نیروی کار در بخش کشاورزی	کیفیت تأمین اجتماعی	بهداشت فردی
پژوهش و توسعه در کشاورزی	شبکه توزیع غذا	ایمنی غذا
وضعیت منابع تولید کشاورزی (آب، خاک)	سیاست یارانه‌ای دولت	برنامه‌های آموزشی تغذیه
وضعیت توسعه روستایی	بهداشت فردی	ذخیره مواد غذایی
درصد شاغلین با سواد در بخش کشاورزی	سیستم حمل و نقل	فقر اقتصادی و دانش
فراوانی حوادث غیرمترقبه (خشک‌سالی و ..)		
میزان سرمایه‌گذاری در کشاورزی		

و مشروعیت آن شدیداً موثر است، به طور تلویحی دلالت بر بهبود بهره‌وری کشاورزی، کارایی سرمایه و نیروی کار در بخش کشاورزی، اثربخشی سیاست‌های دولت، توسعه روستایی، پژوهش و توسعه کشاورزی نیز دارد که مجموعه این عوامل به افزایش رشد اقتصادی کشور، صرفه‌جویی در هزینه‌های ارزی، کاهش وابستگی و در نتیجه تقویت امنیت ملی می‌انجامد. ضریب خودکفایی محصولات اساسی غذایی طی دوره ۸۵-۱۳۸۱ در جدول ۲ آمده است



جدول ۲- تغییرات ضریب خوداتکایی در مورد محصولات اساسی کشاورزی طی سالهای ۸۵-۸۵

۱۳۸۱ (واحد: درصد)

محصولات	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
گندم	۸۰/۸	۹۴/۸	۹۷/۵	۹۶/۵	۱۰۳/۸
برنج	۶۳/۳	۷۱/۵	۶۱/۵	۶۰/۳	۵۹/۷
سیبزمینی	۱۰۱/۸	۱۰۰/۹	۱۰۰/۹	۱۰۴/۸	۱۰۲/۸
قندوشکر	۶۶/۶	۷۴/۶	۸۶/۲	۶۸/۷	۴۰/۳
حبوبات	۱۲۷/۵	۱۱۴/۹	۱۱۳/۹	۱۱۰/۹	۸۸/۹
روغن نباتی	۱۱/۳	۱۱/۸	۱۴/۳	۱۴/۱	۱۵/۴
گوشت قرمز	۹۹/۳	۱۰۰	۹۸/۸	۱۰۰	۱۰۰
گوشت مرغ	۹۹/۳	۱۰۰	۹۸/۸	۱۰۰	۱۰۰
شیر	۹۹/۵	۹۷/۶	۹۸/۶	۹۹/۴	۹۹
انواع ماهی	۹۸/۳	۹۴/۴	۱۰۰	۹۹/۵	۱۰۶/۴

مأخذ: گزارش «ترازنامه غذایی ایران، ۸۵-۱۳۸۱، ارزیابی روند تولید و عرضه مواد غذایی در کشور از دیدگاه تغذیه‌ای»، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصادی کشاورزی، ۱۳۸۵، ص ۶۹.

همان گونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد ضریب خوداتکایی کشور در مورد اکثر محصولات غذایی از جمله سیب‌زمینی، حبوبات، گوشت قرمز، گوشت مرغ، انواع ماهی و شیر در وضعیت بسیار خوبی قرار دارد. در این میان ضریب خوداتکایی قند و شکر و برنج نسبت به بقیه مواد غذایی پایین است که بررسی‌ها نشان از امکان افزایش آن‌ها به سطح مطلوب دارند. خوشبختانه طی سال‌های مذکور ضریب خودکفایی گندم افزایش یافته، بطوری‌که در سال ۱۳۸۵ به بالاترین حد خود رسیده است.

آمارها نشان می‌دهند که ۵۰ درصد گندم تولیدی در کشور در فرایند کاشت، داشت و برداشت ضایع می‌شود و تنها از ۵۰ درصد ظرفیت کشاورزی کشور استفاده می‌شود که در صورت تعدیل و حتی مرتفع کردن این دو نارسایی مهم امکان خودکفایی کشور در این دو محصول مهم نیز بوجود خواهد آمد. البته یکی از دلایل نوسان در ضریب خودکفایی گندم، می‌تواند خشکسالی و کم‌آبی باشد.

بررسی روند عرضه مواد غذایی در کشور نشان می‌دهد که طی دوره ۸۵-۱۳۸۱ عرضه سرانه غذا از ۷۴۱/۷ کیلوگرم به ۷۸۸/۹ کیلوگرم رسیده است، و به همین موازات عرضه سرانه انرژی از ۳۶۲۵ کیلوکالری به ۳۵۵۹ کیلوکالری و عرضه سرانه پروتئین از ۹۷ گرم به ۹۶ گرم کاهش یافته است.





طبق آمار فائو سهم انواع گوشت در تأمین انرژی طی سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۱ در جهان، کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و ایران (۸۴-۱۳۸۱) به ترتیب ۸/۷۳، ۱۱/۵۸، ۷/۷۶ و ۴/۲۲ درصد بوده است. با توجه به این که تخم مرغ نیز از منابع دامی و غنی از پروتئین محسوب می شود آمارها به لحاظ محاسبه سهم انواع گوشت و تخم مرغ به ترتیب ۹/۹۲، ۱۳/۰۶، ۸/۸۵ و ۵ درصد خواهد شد، که فاصله سهم انواع گوشت و تخم مرغ در تأمین انرژی در رژیم غذایی کشورمان نسبت به متوسط کشورهای در حال توسعه قابل تعمق است.

مقایسه وضعیت عرضه سرانه انرژی و مواد غذایی در کشور با کشورهای پیشرفته و در حال توسعه بیانگر وضعیت قابل قبول امنیت غذایی در سطح کلان و ملی است، اما مشکل اصلی امنیت غذایی در کشور توزیع نابرابر غذا و دسترسی نابرابر و در مواردی فقدان دسترسی مردم کشور به غذا می باشد. مثلاً در مناطق محروم جنوب استان کرمان، این توزیع نامناسب مواد غذایی به وضوح مشاهده می شود.

دسترسی به غذا

بدون تردید، یکی از مولفه های مهم امنیت غذایی دسترسی مردم به غذای کافی می باشد. در این مولفه نگاه ها از سطح کلان و ملی به سطح خرد (فرد و خانوار) معطوف می شود. در تعریف بانک جهانی از امنیت غذایی تاکید خاصی روی دسترسی به غذا در تمام زمان ها و برای تمام افراد شده است. نکته مهم در تعریف امنیت غذایی این است که دسترسی به غذا صرفاً نه به منظور ادامه حیات بلکه به هدف ایجاد بستر مشارکتی فعال و پویا در جامعه می باشد. همچنین، امروزه امنیت غذایی مستلزم این است که مصرف کنندگان مطمئن شوند که غذاهای داخلی و وارداتی استانداردهای اولیه و ضروری کیفیت و سلامتی را داراست و از نظر بهداشتی، رعایت قوانین برچسب زنی، دارا بودن گواهینامه و استفاده از افزودنی های مجاز غذایی و کاهش بقایای سموم و غیره آنان را مطمئن سازد. این مسئله ضرورت اتخاذ سیاست های ملی امنیت غذایی توسط دولت در جهت تضمین کیفیت و سلامتی غذای قابل عرضه به شهروندان از طریق برقراری استانداردهای ملی ایمنی را ایجاد می کند. در اینجا صرفاً به ذکر مواردی که امنیت غذایی کشور را در زیر سیستم دسترسی به غذا به مخاطره می اندازند اکتفا

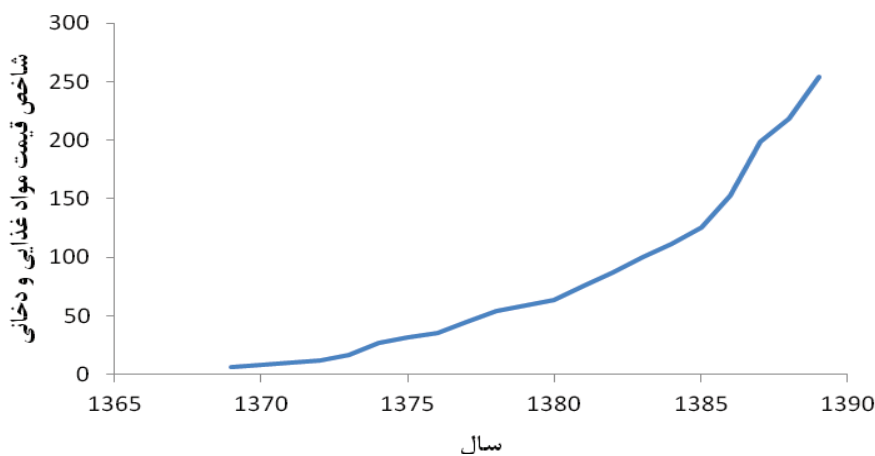
۷۰





خواهد شد. بدون تردید عواملی چون نرخ تورم بالا (مثلاً ۲۱/۵ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۳۱/۵ درصد در سال ۱۳۹۱)، نرخ بیکاری بالا (براساس آخرین آمار بانک مرکزی در سال ۱۳۸۹ میانگین ۱۳/۵ درصد که ۱۵/۳ درصد بیکاری در مناطق شهری و ۹/۱ درصد بیکاری در مناطق روستایی بوده است)، درصد جمعیت زیر خط فقر (چیزی در حدود ۲۰ درصد)، توزیع تقریباً نامتعادل درآمد (ضریب جینی ۰/۳۸ در سال ۱۳۸۹) که البته بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه اندکی نسبت به قبل از آن بهبود یافته است، و بعضاً قیمت بالای برخی مواد غذایی و موارد دیگری از این دست، دسترسی افراد و خانوارها را به مواد غذایی در کشور به مخاطره می‌اندازد. روند قیمت محصولات کشاورزی در طی دوره ۸۹-۱۳۶۹ به طور پیوسته افزایشی بوده است. روند شاخص قیمت محصولات کشاورزی در نمودار ۱ نشان داده شده است.

نمودار ۱: روند شاخص قیمت محصولات کشاورزی



مأخذ: آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

براساس مطالعه باقری و همکاران (۱۳۸۶) درصد خانوارهای زیر خط فقط در سال ۱۳۸۵ در مناطق شهری ۱۲/۶ درصد و در مناطق روستایی ۱۱/۴ درصد بوده است.

عوامل فوق در کنار نارسایی‌های موجود در سیستم حمل و نقل کشور، کارایی پایین شبکه توزیع، ضعیف بودن نظام کنترل کیفیت و استانداردهای غذایی در کشور، رعایت نکردن قوانین برچسب‌زنی توسط بسیاری از عرضه‌کنندگان، و موارد دیگری از این دست، دسترسی مردم به غذا را به مخاطره خواهد انداخت. در واقع شواهد نشان می‌دهند که ترس و بیم از نبود غذای کافی همواره در بین بخشی از جمعیت کشور





وجود دارد. تورم، بیکاری، درآمد پایین یا فقدان درآمد، دسترسی بخشی از مردم کشور را به غذای کافی به مخاطره انداخته است؛ این عدم دسترسی به مواد غذایی در مناطق روستایی و محروم استان کرمان نیز قابل مشاهده است. عدم دسترسی اقتصادی به مواد غذایی باعث می‌شود که مشارکت فعال و پویای مردم در جامعه به تحلیل برود، و آن‌ها را به لحاظ ذهنی در معرض آسیب‌پذیری مداوم قرار دهد که نهایتاً امنیت ملی کشور را از این نظر آسیب‌پذیر خواهد کرد

یکی از سیاست‌های ملی امنیت غذایی در کشور برای پوشش دادن نارسایی‌های موجود در زیر سیستم دسترسی افراد و خانوارها به غذا، سیاست حمایت یارانه‌ای می‌باشد. اما اعطای یارانه تنها یک راه حل موقت است. دولت باید از طریق توسعه مناطق روستایی و محروم که بیشتر در معرض ناامنی غذایی هستند، عدم دسترسی اقتصادی به مواد غذایی را کاهش دهد. در این راستا توسعه کشاورزی و روستایی می‌تواند در اولویت سیاست‌گذاری باشد.

استفاده از غذا^۱

ارزیابی تغذیه در سفره مردم کشور نشان می‌دهد که عرضه غذا در کشور از نظر کمی جوابگوی نیازهای مصرف است ولی ترکیب سفره آنان تناسبی با نیازهای سلولی نداشته و اعضای خانوار فقط از طریق پرخوری توانسته‌اند نیازهای بدن خود را به ریزمغذی‌ها (ویتامین‌ها و املاح) تأمین کنند. در چنین شرایطی سفره خانوارها به جای تأمین سلامت می‌تواند تهدیدکننده آن باشد.

کارشناسان بر این باورند که خانوارهای ایرانی از الگوی تغذیه معقولی برخوردار نیستند. آن‌ها بیش‌تر شکم خود را سیر می‌کنند و از مصرف عناصر ریزمغذی و مواد غذایی اساسی غافلند. بسیاری از مردم بدون توجه به ضرورت‌های سبذ غذایی، برخی از مواد غذایی را کم‌تر از نیاز بدن و بسیاری را بیش از میزان توصیه شده مصرف می‌کنند و به هم ریختن این تعادل سوء تغذیه مزمنی را در اغلب افراد جامعه ایجاد می‌کند. مثلاً کارشناسان میزان نیاز هفتگی بدن به مصرف ماهی را دو کیلو و چهل گرم ذکر می‌کنند، در حالی که ایرانیان در طول سال به طور متوسط ۵ کیلوگرم ماهی را مصرف می‌کنند. آن‌ها پروتئین نخود را ۱۲ برابر سیب‌زمینی، سه برابر برنج و بیش از گوشت



۱ - این قسمت برگرفته از مقاله رحمان رنجیسر (مدیر کل دفتر تعاونی‌های تولیدی) با موضوع «بررسی نحوه تعامل امنیت غذایی با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» است.



عنوان می‌کنند، در حالی که براساس آمار فائو مصرف سرانه نخود در ایران ۰/۱ کیلوگرم گزارش شده است. بدون تردید، سوء تغذیه در میان کودکان موجب کاهش عمر و بقای آنان می‌شود، رشد فکری و جسمی را کند، خلاقیت و فراگیری و نیز سیستم ایمنی بدن را تضعیف و زمینه ابتلای مکرر به بسیاری از بیماری‌ها و عفونت‌ها را فراهم می‌کند.

بررسی الگوی تغذیه مواد غذایی در کشور طی دوره ۸۰-۱۳۶۸ نشان دهنده نامتعادل بودن رژیم غذایی و عدم تنوع کافی آن است، به طوری که حدود ۶۰ درصد عرضه سرانه انرژی به تنهایی از غلات و عمدتاً از گندم تأمین شده است. همچنین مصرف قند و شکر که صرفاً ماده‌ای انرژی‌زا است بالا بوده و مرتباً افزایش یافته است. از طرف دیگر مصرف سرانه شیر و فراورده‌های آن که منبع با ارزشی از نظر پروتئین، کلسیم و ویتامین B₂ است بسیار کم‌تر از مقادیر متعارف توصیه شده برای گروه‌های سنی مختلف و حتی کم‌تر از یک لیوان در روز است. سهم انواع گوشت از کل انرژی به رغم افزایش مصرف سرانه از متوسط جهان و حتی کشورهای در حال توسعه کم‌تر است. مصرف سرانه سبزی و میوه طی سال‌های اخیر به حد قابل قبول رسیده است.

توسط سازمان بهداشت جهانی یعنی مصرف میانگین ۱۸۰ عدد تخم‌مرغ در سال به ازای هر فرد پایین‌تر است. شایان ذکر است که ژاپن با وجود این که بیش‌ترین تخم‌مرغ مصرفی جهان را دارد (۵/۶ عدد در هر هفته) ولی کم‌ترین مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی را داراست.

بدون شک، عدم تعامل در الگوی تغذیه، گذشته از نارسایی‌ها و اختلالاتی که در سیستم بدن افراد ایجاد می‌کند و کارایی مشارکت و بشاشیت اجتماعی‌آن‌ها را تحلیل خواهد برد، تخصیص بهینه منابع کشور را نیز مختل خواهد کرد، و بسیاری موارد با هدر دادن منابع ارزی وابستگی کشور را به کشورهای دیگر و در نتیجه آسیب‌پذیری سیاسی آن را افزایش می‌دهد. از این‌رو، اصلاح الگوی تغذیه کشور از طریق گسترش برنامه‌های آموزشی تغذیه و ارتقاء آگاهی‌های تغذیه با تکیه روی زنان اهمیت می‌یابد.



۲,۵,۴. تهدیدها و فرصت‌های امنیت غذایی در استان کرمان

وضعیت امنیت غذایی در استان کرمان نشان می‌دهد که تهدیدها و فرصت‌هایی در رابطه با امنیت غذایی کشور در هر سه زیرسیستم موجودی غذا، دسترسی به غذا و استفاده از غذا وجود دارند. این موارد به خصوص در نواحی روستایی و کمتر توسعه‌یافته



و همچنین حاشیه شهرها مشهود است. در جدول ۳، این تهدیدها و فرصت‌ها به صورت فهرست و ارائه شده است

جدول ۳- فرصت‌ها و چالش‌های امنیت غذایی استان کرمان

فرصت‌ها	تهدیدها
تنوع اقلیمی و اکولوژیکی جهت توسعه	خشکسالی
فعالیت‌های کشاورزی	افزایش مهاجرت روستاهایی
وجود اراضی مستعد کشاورزی	ضایعات گسترده مواد غذایی
فارغ‌التحصیلان بیکار رشته‌های کشاورزی	کارایی پایین مدیریت بخش کشاورزی
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی	مکانیزاسیون ضعیف بخش کشاورزی
بازدهی نسبتاً بالای سرمایه در بخش کشاورزی	الگوی مصرف نامناسب گندم و نان
گسترش سیلوها و سردخانه‌های مواد غذایی	کمبود سیلوها و سردخانه‌های نگهداری مواد غذایی
توسعه روستایی	الگوی تغذیه نامناسب
توسعه کشاورزی و صنایع تبدیلی وابسته	
افزایش عملکرد محصولات اساسی غذایی	
هدفگذاری درست یارانه‌ها و اعتبارات	

نتیجه‌گیری

امنیت غذایی یک پدیده بسیار پیچیده‌ای است که به همان اندازه که وابسته به سیستم‌های اجتماعی و سیاسی است به همان اندازه وابسته به عوامل محیطی، از قبیل زمین، آب و هوا، شرایط خاک و در دسترس بودن آب است. همچنین روشن است که صرفاً وجود مواد غذایی فراوان در یک کشور خاص و یا در سراسر جهان هیچ یک دسترسی مردم به منابع غذایی کافی را تضمین نمی‌کند. در این مواقع است که عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش مهمی در تعیین اینکه چه کسی امنیت غذایی دارد یا ندارد، بازی می‌کنند.

یکی از جدی‌ترین تبعاتی که از کمبود منابع غذایی ناشی می‌شود، افزایش قیمت‌ها است. این افزایش قیمت در مواد غذایی به افراد فقیر در جامعه لطمه وارد می‌کند. اما این تنها اثر افزایش قیمت مواد غذایی نخواهد بود. افزایش قیمت مواد غذایی بر رشد اقتصادی اثر داشته و این پتانسیل را دارد که بهبود معیشت، رفاه و رشد اقتصادی کشور را به خطر اندازد. به احتمال زیاد امنیت غذایی، به عنوان یک نگرانی امنیتی عمده در قرن





آینده ظهور می‌کند، به ویژه با توجه به این واقعیت که بسیاری از کشورها و از جمله کشور ایران در حال حاضر امنیت غذایی را به عنوان یک عنصر ضروری از حاکمیت ملی خود یا امنیت ملی در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، امنیت غذایی، با ثبات سیاسی و بقای نظام‌های سیاسی در هم تنیده شده است. بنابراین برای حفظ امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور، و در سطح محلی و استانی برای جلوگیری از جرائم امنیتی و آشوب‌های شهری، توجه به امنیت غذایی ضروری است. این کار از طریق تکیه به توان داخلی و ظرفیت‌های درونی امکان‌پذیر است. با توجه به موقعیت سیاسی کشور و تقابل با نظام سلطه، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند راهگشای این موضوع باشد. اگر کشور برای حفظ امنیت غذایی خود به سیستم تجارت بین‌المللی تکیه کند، به این دلیل که این روابط تجاری، مبتنی بر احترام متقابل، منافع مشترک و بازی برد - برد نیست، نه تنها امنیت غذایی را بهبود نمی‌بخشد، بلکه با اعمال تحریم از سوی ابرقدرت‌ها، وضعیت را بحرانی هم می‌کند. شواهد نشان می‌دهند که با توجه به قابلیت‌های تولیدی کشور در صورت تحقق الزاماتی چون توسعه روستایی، توسعه کشاورزی از جمله افزایش عملکرد محصولات در واحد سطح، افزایش بازده آب و خاک، کاهش ضایعات تولیدی، اصلاح الگوی تغذیه کشور امکان نیل به یک امنیت غذایی پایدار در سطح کلان وجود دارد، که این امنیت پایدار تضمین‌کننده امنیت ملی و استانی خواهد بود.



منابع

- باقری، فریده، دانش پرور، نیما و کاوند، حسین. (۱۳۸۶)؛ روند خط فقر و شاخص های فقر در ایران طی سال های ۸۵-۱۳۷۵. پژوهشکده آمار، گزیده مطالب آماری، سال ۱۸، شماره ۲: ۷۱-۸۲.
- سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- عبادی، فرزانه و سعیدنیا، اسماعیل. (۱۳۸۸)؛ ترازنامه غذایی جمهوری اسلامی ایران ۸۵-۱۳۸۱. ارزیابی روند تولید و عرضه مواد غذایی در کشور از دیدگاه تغذیه‌ای. تهران: وزارت کشاورزی، موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- مجد، محمد قلی. (۱۳۸۷)؛ قحطی بزرگ، ترجمه: محمد کریمی. تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی: ص ۱۸.

- Aigarinova, G.T. and Shulanbekova, G.K. (۲۰۱۳) Legal Backing of Food Security - as a Major Component of the National Security of the Republic of Kazakhstan. Social and Behavioral Sciences, ۵۱۰: ۵۱۳-۸۱
- Barry Wain, et. al., (۱۹۹۸). "Neighbors Fear an Indonesian Exodus," The Wall Street Journal, February ۲۵.
- Blanford, D. and Viatte, G. (۱۹۹۷). Ensuring Global Food Security, Organization for Economic Cooperation and Development: the OECD Observer (Dec. ۱۹۹۶/ Jan. ۱۹۹۷).
- Committe on world Food Security. (۲۰۱۲). Retrieved from www.fao.org/cfs/cfs-home/en .
- Dupont, A. (۱۹۹۸). "The Environment and Security in Pacific Asia," Adelphi Paper ۳۱۹ (London: International Institute for Strategic Studies, ۱۹۹۸).
- Frederick, W.C. and Hunter Colby, W. (۱۹۹۶). "The Future of China's Grain Market," USDA Agriculture Information Bulletin, No. ۷۳۰ (October ۱۹۹۶).
- Liston, PH. (۱۹۹۸). "Feeding Frontline Forces," International Defense Review (vol. ۳۱, no. ۱۱), November ۱۹۹۸, p. ۲۶.
- The state of food insecurity in the world. (۲۰۱۲). Retrieved from www.g2۰civil.com
- Gerald, W. Th. Food Will Win the War, And Shape the Peace that Follows. Accessing in: <http://www.airgroup£.com/food.htm>

